

HINDI STYLE AND ITS REFLECTION OF OTTOMAN TURKISH POETRY

TURGAY ŞAFAK*

ABSTRACT

This article consists of three parts. In the first section has been briefly discussed the emergence of Turkish literature and historical background of relations between Persian Literature and Turkish Literature.

In the second part has been studied the impact of Hindi poets style in Ottoman poets.

In the third part have been investigated impact Shavkat Bukharai on the Ottoman Turkish poetry during 18th century.

In the article mentioned that Hindi style was popular in the Ottoman territory. Among the Hindi style poets Orfi Shirazi during 17th-century and Shavkat Bukharai during 18th century were most influential poets in Ottoman Turkey.

Keywords: Ottoman poetry, Persian poetry, Hindi style, comparative literature, Orfi Shirazi, Shavkat Bukharai

سبک هندی و بازتاب آن در شعر ترکی عثمانی*

تورقای شفق*

چکیده

این مقاله از سه بخش تشکیل شده است. در بخش اول بطور خلاصه درباره پیدایش ادبیات ترکی و پیشینه تاریخی روابط ادبیات فارسی و ترکی پرداخته شده است. در بخش دوم تاثیر شاعران سبک هندی بر شاعران عثمانی مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم تاثیر شوکت بخارایی بر شعر شاعران ترکی عثمانی در قرن ۱۸ میلادی بررسی شده است.

در مقاله نیز اشاره شده است که سبک هندی در قلمروی عثمانی طرفدار بسیار پیدا کرده است. بین شاعران سبک هندی در قرن ۱۷ م. تاثیرگذارترین شاعر عرفی شیرازی و در قرن ۱۸ م. شوکت بخارایی است.

کلید واژه ها: شعر عثمانی، شعر فارسی، سبک هندی، ادبیات تطبیقی، عرفی شیرازی، شوکت بخارایی

درآمد

یکی از شیوه های پژوهش ادبی که در اواخر قرن ۱۹ در اروپا به وجود آمده است ادبیات تطبیقی است. ادبیات تطبیقی شاخه است از نقد ادبی که بررسی و تحلیل تاثیر شاعر یا نویسنده یا مکتب ادبی یک ملت بر شاعر یا نویسنده یا مکتب ادبی ملتی دیگر است. ادبیات تطبیقی یک نوع دادوستد فرهنگی محسوب می شود. وقتی فرهنگ ها بر هم تاثیر می گذارند، ادبیات نیز مانند عناصر دیگری فرهنگی تاثیر می گذارد و تاثیر می پذیرد.

دکتر کفای در کتاب ادبیات تطبیقی چنین می نویسد: "ادبیات تطبیقی به مقایسه یک اثر ادبی در یکی از زبانها با اثری مشابه در یک زبان دیگر اهتمام می ورزد. همچنین مکاتب هنری ای که در هنرهای مختلف و ادبیات متعدد شایع است، تنها در ادبیات بررسی می شود."^۱

* Dr.

ادبیات تطبیقی، ص. ۱۱۸

پژوهشگر ادبیات تطبیقی باید دو اثری که با زبانهای مختلف نوشته شده است، طرفهای مشابه، مشترک و متفاوت را بررسی کند و درباره ولایل تفاوتها نظر بدهد.^۲ موضوع ادبیات تطبیقی می تواند هم ملی باشد و هم بین المللی. محقق می تواند درباره تاثیر شعرای کلاسیک مانند حافظ و سعدی و فردوسی بر شاعران معاصر بررسی کند، و هم شاعر یک ملت را بر یک ملت دیگر مثلا تاثیر ساقی نامه حافظ بر ساقی نامه فصولی بغدادی بررسی کند.^۳

پیدایش شعر ترکی

ترک ها که دو قرن بعد از ایرانی ها دین اسلام را پذیرفته اند و به خاطر اینکه قبل از اعراب با ایرانیان روبرو شده اند اسلام را نیز از طریق ایرانی ها آموخته اند. دلیل این امر در واژه و اصطلاحات دینی و ادبی به خوبی دیده می شود. در زبان ترکی برای صلات نماز، برای روزه اوروج که ریشه اش روزه می باشد و برای وضو واژه ی آبدست ... استفاده می شود. ترک های که در دایره فرهنگ و تمدن ایرانی قرار گرفتند، از نظر فکری و سیاسی با تحولات بزرگی روبرو شدند. اولین دولت ترک بعد از اسلام دولت قراخانیان می باشد و این دوره از نظر فرهنگ و ادبیات دارای اهمیت خاصی است. نخستین آثار ادبی ترکی-اسلامی در این دوره به وجود آمده است. سلاطین قراخانیان نیز مانند پادشاهان دیگر شاعران و ادیبان را که ترکی و فارسی و عربی می نوشتند حمایت می کردند. نخستین اثر مهم ترکی در دوران اسلامی بنام قوتادغو بیلگ که با وزن شاهنامه (فعولن فعولن فعولن، بحر متقارب) سروده شده است در حکومت همین سلسله پدید آمد. نویسنده این اثر، یوسف خاص حاجب، یکی از وزیران این حکومت بود. کتاب های دیگری که در زمان این سلسله نوشته شده اند عبارت اند از دیوان اللغت الترتک محمود کاشغری که اولین فرهنگ ترکی به شمار می رود و عتبه الحقایق ادیب احمد یوکنکی است.^۴

سلطان محمود غزنوی که خودش ترک نژاد بود شعر را بسیار دوست داشت و شعراء را تشویق و حمایت می کرد. در تذکره ها آمده است که در دربار وی بیش از چهارصد شاعر حضور داشت و صله های بسیار می گرفتند. شعراء معروف مانند فروخی سیستانی، منوچهری، عنصری در دربار حضور داشتند. همچنین سلاطین سلجوقیان نیز سنت غزنویان را ادامه دادند و شاعران را حمایت کردند.

در سرزمین آسیای صغیر نیز حکومت های محلی که دنباله سلجوقیان بودند شاعر و ادیبان را نوازش می کردند و علاقه زیادی به ادبیات داشتند. ابن بی بی درباره سلاطین سلجوقیان روم می گوید که از علماء، شعراء و صوفیان را حمایت می کردند و خود آنها نیز فارسی شعر می سرودند. در این دوره که همزمان با حمله مغول است، علما و صوفیان مانند نجم الدین رازی و بها الدین ولد پدر مولانا رو به آسیای صغیر آوردند و تالیفات بسیار به زبان فارسی در آن سرزمین به وجود آورده اند.^۵

در دوره امپراطوری عثمانی نیز شاعران ترک زبان به خاطر محیطی ادبی و آموزشی زبان فارسی را بخوبی می دانستند و شعر فارسی می سرودند. در زمان عثمانیان شاعران ترک زبان ۱۸ دیوان و ۱۳ دیوانچه ی فارسی به وجود آورده اند.^۶

درباره همبستگی ادبیات فارسی و ترکی استاد علی نهاد تارلان در مجله وحید و در کتاب ادبیات دیوانی ترک و نائلی^۷ سخنی بسیار گفته است و این امر پوشیده نیست که شاعران عثمانی چگونه به ادبیات ایران می نگریستند. آثار مانند مثنوی دیوان حافظ بوستان و گلستان سعدی مکررا از طرف

2 Karşılaştırmalı Edebiyat, s. 7

3 Fuzuli'nin 'Sakiname'sinde Hafız'ın rolü, (Nüsha dergisi, 6), s.44

4 İslami Türk Edebiyatı, s. 62

5 Anadolu'da Farsça şiir söyleyen Türk şairler, (Turkler c.7), s. 682- 695

6 Türk Edebiyatında Farsça Divan ve Divançeler, (Nüsha, 15), s. 32

7 تارلان، علی نهاد، ادبیات دیوانی ترک و نائلی، ترجمه حمید نطقی، تهران ۱۳۴۹.

شارحان عثمانی شرح شده و چندین بار نیز ترجمه شده اند. از این شروع مثل شرح مثنوی انقروی و شرح سودی بر حافظ نیز به فارسی ترجمه و چاپ شده است. علاقه شاعران و ادیبان عثمانی به ادبیات فارسی فقط به این شاعران محدود نمانده بلکه علاوه بر این، اشعار شاعران سبک هندی مثل صائب تبریزی^۸، عرفی شیرازی، و شوکت بخارایی نیز ترجمه و شرح نموده اند.^۹ درباره گسترش زبان و ادبیات فارسی در سرزمین عثمانی دکتر محمد امین ریاحی در کتاب زبان و ادبیات فارسی در قلمروی عثمانی توضیحات زیادی داده است.^{۱۰} درباره تأثیرپذیری شعر ترکی عثمانی از شعر فارسی سلیمان نظیف (۱۸۷۰-۱۹۲۷) مقاله بحث انگیزی تحت عنوان "تأثیر ادبای ایرانی بر ادبیات ما" بین سال های ۱۹۱۶-۱۹۱۹ در مجله "ادبیات عمومی مجموعی" چاپ کرده است. در این مقاله دلایل تأثیرپذیری شعر عثمانی از شعر فارسی بررسی شده است.^{۱۱}

سبک هندی و شعر عثمانی

سبک هندی هر چند در ایران مورد استقبال قرار نگرفته اما در نزد شاعران عثمانی طرفدار بسیار پیدا کرده است. نمونه های سبک هندی در ادبیات عثمانی بعد از قرن ۱۷م. دیده می شود. اولین شعرای که به سبک هندی شعر می سرودند نفعی (۱۶۳۵ م.)، فهیم قدیم (۱۶۴۷ م.)، عصمتی (م. ۱۶۶۵ م.)، نائلی (م. ۱۶۶۶ م.)، نشاطی (وفات ۱۶۷۴ م.) و در قرن ۱۸م. مهمترین شاعر که به سبک هندی شعر سروده است شیخ غالب (وفات ۱۲۱۳ هجری) می باشد. درباره دلایل استقبال شاعران عثمانی از سبک هندی هنوز کاملاً مورد بررسی قرار نگرفته است. شعر ترکی عثمانی که در قرن ۱۷ میلادی به تکامل خود رسیده بود و شعرای که از مضمون های تکراری به ستوه آمده بودند و دنبال تازه گویی و زیبایشناسی جدید می گشتند وقتی با سبک هندی روبرو شده اند انگار نفس تازه گرفتند.

درباره نگرش شاعران و روشنفکران عثمانی به سبک هندی، می خواهم یک نمونه جالبی خدمت شما عرض کنم. یک کتابی دستور زبان فارسی به عنوان "قواعد فارسیه بر طرز نوین" در سال ۱۸۷۱ م. از طرف نعیم فراشری شاعر و نویسنده آلبانی تبار که شعر فارسی نیز گفته است در استانبول به چاپ رسیده است. در این کتاب در بخش پایانی یک محاوره بین یک ایرانی و یک شاعر عثمانی صورت می گیرد و در این محاوره شاعر عثمانی درباره ادبیات فارسی می پرسد و ایرانی پاسخ می دهد. در اینجا قسمتی که درباره سبک هندی است عرض می کنم:

س: عرفی و صائب و شوکت و بیدل را چه گونه می دانند؟

ج: عرفی را آنقدر نمی پسندند صائب را هیچ شوکت و بیدل را نمی دانند.

س: شوکت و بیدل را چرا نمی دانند اینها که در استانبول خیلی شهرت دارند

ج: اینها ایرانی نیستند شوکت فراهی بوده و فراه قصبه ایست میانه هرات و قندهار و اصل بیدل از بخارا ست گرچه خودش در هندستان ساکن بوده است دیوانهایشان با استانبول از آنجا آمده است

س: صائب که خیلی خوب و مرغوب شاعر است چرا نمی پسندند؟

ج: دیوانش را درست نخوانده اند و بدهای اشعارش را دیده اند و بیشتر اشعارش عبارت از ارسال و مثلثست و این هم پیش آنها پایه بلندی ندارد بعلت این نمی پسندند و بطوری تحقیقش می کنند که اگر

قصاید و غزلیات صائب چندین بار از طرف شارحان عثمانی شرح گردیده و نسخ آن شروع در کتابخانه سلیمانیه ۸ نگهداری می شود.

یکی از شاعران برجسته ای عثمانی برخی ابیات مشکل عرفی را شرح کرده است. این کتاب در سال ۲۰۰۰ به چاپ رسیده است.

Şerh-i müşkilat-ı ba'z-ı ebyat-ı urfi, Neşati, haz. Süleyman çardak ve kazım yoldaş, Malatya 2000.

۱۰ ریاحی، محمد امین، زبان و ادبیات فارسی در قلمروی عثمانی، تهران: ۱۳۶۹

۱۱ Süleyman Nazif'e göre İran edebiyatının edebiyatımıza etkisi, Alim Yıldız,....

بکمترین شاعری از شعرای ایران بگویند که تو مثل صائب شعر می گویی بدش می آید و کج خلق می شود.

س: اعتقاد شما چه گونه است؟

ج: اعتقاد بنده این است که صائب شاعر است صاحب زمین تازه و در غزل پردازی و سخن گستری مرتبه اش بلند است و کلیات دیوانش از پنجاه هزار بیت بیشتر است دیوانی که بان بزرگی باشد البته توش خوب و بد پیدا می شود اگر خوبهش سوا می کردند و بانتخاب کردنش می پرداختند يك دیوان بسیار خوب و مرغوب دیوان حاصل می شد^{۱۲}.

اولین نمونه های سبک هندی در شعر عثمانی در ابیات نفعی (۱۶۳۵ م.) که شعر فارسی نیز سروده است^{۱۳}، به چشم می خورد. نفعی بزرگترین قصیده سرای در شعر ترکی عثمانی به شمار می آید. در قصیده سرایی از عرفی شیرازی پیروی کرده است و ادعا می کند که از شاعران فارسی گو جلوتر رفته و تنها شاعری که می تواند رقیب وی باشد عرفی شیرازی است. در این بیت خود را بار شاعرانی ایرانی مقایسه می کند و می گوید من عرفی روم و انوری عصر و خاقانی عهد و فیض هندی معجزه نفس هستم:

عرفی روم انوری عصر و خاقانی عهد

فیض معجزدم وحی اکتساب روزگار^{۱۴}

در شعر نفعی تأثیر سبک هندی بیشتر در ترکیب ها، مضمون های نو و در تخیل دیده می شود. وی در شعر خود واژه های فارسی را بسیار به کار برده که قبل از او در شعر ترکی عثمانی استفاده نمی شد.^{۱۵} تعداد ابیات غزلیات نفعی نیز مانند شاعران دیگر سبک هندی:

بیشتر از ۵ بیت نمی رسد.^{۱۶}

در این بیت نفعی ویژگی سبک هندی کاملاً مشخص است.

Bade-i idrakümün tevhid ser-cuş-i humi

Saki-i endişemün tahkik dürd-i sağeri

Hamemün rah-i süluk-i fitne hatt-i sayesi

Şirümün habl-i metin-i feyz-i tar misterî

شاعری دیگری که ویژگی های سبک هندی در شعر آن دیده می شود فهیم قدیم است. وی نیز مانند نفعی از عرفی شیرازی پیروی کرده است. فهیم نیز مانند شاعران سبک هندی بیشتر معنی را اهمیت داده تا لفظ. در شعر وی تخیلات که مهمترین ویژگی سبک هندی محسوب می شود به خوبی دیده می شود.^{۱۷} فهیم شاعران مثل نائلی، نشاطی، وجدی، نابی و شیخ غالب تأثیر زیادی گذاشته است.^{۱۸}

عصمتی (۱۶۶۵ م.) نیز پیشاهنگان سبک هندی در شعر عثمانی به شمار می آید. وی به خاطر اینکه نوه ی یکی از معروفترین عالم برگیوی محمد افندی بود از بچگی رو به علوم دینی آورده و بعد از اتمام تحصیل به عنوان مدرس تعیین شده است. عصمتی به رغم اینکه شعر زیادی نگفته است ولی شعرای بعد از خود تأثیری بسزایی داشت.^{۱۹}

قواید فارسیه بطرز نوین، محمد نعیم فراشری، مهندسیان مطبوعه سی، ۱۲۸۸

13 Nefi, Farsça Divan, haz. Mehmet Atalay, Erzurum 2000.

14 Nefi divanından seçmeler, 96

15 Ölümünün 350. yılında Nefi, (c.2, sayı 2)s. 10

16 Nefi divanından seçmeler....

17 Fehim-i Kadim, İslam Ansiklopedisi,

18 a.g.m

19 İsmeti, İslam Ansiklopedisi,

ندیم قدیم (۱۶۷۰م.) یکی از پیشگامان سبک هندی در شعر عثمانی محسوب می شود. در شعر او شاخص های سبک هندی مانند نازک خیالی و چیرگی معنی بر لفظ آشکارانه دیده می شود.^{۲۰} در دیوانچه قدیم مانند دیگر شاعران سبک هندی ترکیبهای نو دیده می شود. "روی ازمنه"، غنچه امید، "حرف فسون ناز"، "ابر کرم"، "کوه وقار"، "امید کهن".^{۲۱} شاعرانی که تا اینجا از آنها نام برده شده همه ویژگی های سبک هندی کاملاً در شعر آنها دیده نمی شود. اما شاعری که الان در مورد وی صحبت خواهیم کرد ویژگی های این سبک واضحا در شعرش معلوم است. این شاعر تخلصش نشاطی است و در شهر اردنه به دنیا آمده است. نشاطی از پیروان طریقت مولویه بود و مدتی کوتاهی در آخر عمرش در شهر اردنه به عنوان پیر طریقت مولویه منصوب شده است. وی فارسی را خوب می دانست و در تذکره ها چنین آمده است که او مدرس زبان فارسی هم بوده است. برای تدریس زبان فارسی کتاب بنام "قواید دریه" به رشته تحریر درآورده است. نسخه های متعدد از این کتاب در کتابخانه های ترکیه نگهداری می شود.^{۲۲} وی در شعر کاملاً تحت تأثیر عرفی قرار گرفته است. نشاطی در "ترکیب سازی" و "خیال بندی" و "نازک خیالی" و "تازه گوئی" از عرفی شیرازی پیروی و ابیات مشکل عرفی را نیز شرح کرده است.^{۲۳} این کتاب در سال ۲۰۰۰ در شهر ملاطیه به چاپ رسیده است. نشاطی در شعرش بارها از عرفی یاد کرده و گاهی خود را از او برتر دانسته است.^{۲۴} در این بیت می گوید عرفی معجزه پرداز زمان منم که فهیم به شعر من حسد می ورزد.

Urfi-i mucizeperdaz-ı zamanım ki eder
Şi'rime reşk ü hased nadire-sencan-ı Fehim

در بیت دیگری ادعا می کند که عرفی به خاطر بیم از ظهور نشاطی در عرصه شعر به هندستان گریخته است.

Benem ki bim-i zuhurumla Urfi-yi Şiraz
Diyar-i Hind'e gidip oldu ru be-rah-ı adem^{۲۴}

در اینجا می گوید آن شاعر عرفی طبیعت من هستم:

Benem ol alem-ara şair-i örfi-tabiat kim
Hayalüm olmada revnak-rüba-yi nazm-ı Hakani^{۲۵}

Bu hoş edayile şî'rüm ki reşk-i Örfidür
Şikest iderse nola kadr-i nazm-ı selmani^{۲۶}

در بیت دیگری شعر خود را با شعر عرفی یکسان و همپایه می بیند:

Hudavenda zamanında benim ol şair-i yekta
Ki nazmım olmada eş'arı urfi ile hempaye^{۲۷}

شوکت و شعر ترکی عثمانی

درباره زندگی نامه شوکت بخارایی منابع زیادی در دست نداریم. در تذکره ها آمده است که وی اهل بخارا بوده و همانجا به دنیا آمده است. بعد از فوت پدرش که صراف بود چندی کار پدرش را دنبال

²⁰ Nedim-i Kadim Devançesi, s. 29

²¹ a.g.e. s.29

²² Neşati, Bayram Ali Kaya, s.50

²³ Şerh-i müşkilat-ı ba'z-ı ebyat-ı urfi, Neşati, haz. Süleyman çardak ve kazım yoldaş, Malatya 2000-

²⁴ Neşati Divanı, haz. Mahmut Kaplan, s.70

²⁵ a.g.e s. 45

²⁶ a.g.e s.40

²⁷ a.g.e s.36

کرد. بعد از درگیری با ازبکان ترک وطن نموده و هیچ وقت برنگشته است. شوکت مدتی در هرات و مشهد بسر برد و بعد از آن تا آخر عمر در اصفهان زیست.^{۲۸}

در باره مقام شوکت در شعر عثمانی براون می گوید: "نفوذ و عظمتی است که در ادبیات ترکیه دارد گیب در تاریخ ادبیات ترک کرارا از مشارالیه اسم برده و وی را می ستاید و می گوید: "اختری بود که اکثر شعرای عثمانی را بیش از نیم قرن راهنمایی کرد، در حضور ذهن و کثرت اختراع مجاز و تشبیهات تازه شهرتی عالمگیر داشت."^{۲۹} پادشاهانی عثمانی نیز با ارادت خاص به شوکت نگاه می کردند و سلطان مراد دستور می دهد تا دیوان شوکت را شرح کنند. دیوان شوکت چندین بار به زبان ترکی عثمانی ترجمه و شرح شده است که این نیز دلیل اهمیت شوکت در نزد عثمانیان می باشد. شرح های که بر شعر شوکت نوشته شده است در کتابخانه های ترکیه نگهداری می شود. یکی از این شرح ها در سال ۱۸۷۳ م. به چاپ رسیده است.^{۳۰} و مشخصات این شرح ها چنین است:

- ۱- کتابخانه محمد مراد با شماره ۴۳۳
 - ۲- کتابخانه حالت افندی با شماره ۷۱۵
 - ۳- کتابخانه یحیی افندی با شماره ۲۶۰۶
 - ۴- کتابخانه دانشگاه استانبول با شماره F.Y. 9671
 - ۵- کتابخانه بایزید با شماره ۲۰۶۹۱
 - ۶- کتابخانه سرمد چیفتچی با شماره ۸۳ ابیات فقط ترجمه شده است.
 - ۷- کتابخانه سرمد چیفتچی با شماره ۷۳۸ شرح بعضی قصاید است.
- یک دلیل دیگر که در سرزمین عثمانی برای شوکت احترام خاص قائل بودند این است که در استانبول و شهرهای دیگر ترکیه تا آنجا که ما توانستیم مشخص کنیم بیشتر از صد نسخه از دیوان شوکت موجود می باشد در حالی که در ایران بیشتر از ده نسخه به نظر نمی رسد.^{۳۱}
- شیخ غالب که از شاعران درجه اول عثمانی محسوب می شود در نیمه دوم قرن ۱۸م. زیسته است. تخیل او مشعشع و دقیق است و دارای احساس بسیار باریکی است. مثنوی حسن و عشق از زیباترین آثار عرفانی اوست در طریقت پیرو مولانا است، افسوس که دیری نزیست^{۳۲}. در زبان فارسی اشعار بسبار سروده است. از شعرای سبک هندی پیروی می کرد، مخصوصاً عاشق اسلوب شوکت بخارانی است. از نظر استاد تارلان سبک هندی در شعر عثمانی نوعی رمانتیسیم است و ترکیبات و مضامین و عناصر تازه ای را که تا آن زمان به کار نمی رفت در بر دارد^{۳۳}. شیخ غالب در بسیار از شعر خویش از شوکت یاد کرده است و نظیره های بر اشعار شوکت نوشته است.^{۳۴}
- در تذکره ها به عنوان شوکت روم از شیخ غالب یاد کرده اند.^{۳۵} خودش نیز سبک خود را "شوکتانه" معرفی می کند.^{۳۶}

فکریم چو تنگنای خیالات وا گشود شوکت به عجز خویش مرا افکار کرد
(شیخ غالب)

درباره زندگی نامه شوکت بخارایی نک: تذکره المعاصرین، تذکره نصرآبادی، ریاض الشعراء، ریاض العارفین، 28 قاموس الاعلام، تصحیح انتقادی دیوان شوکت بخارایی

ص ۵۹-۶۰، گلزار ادبی ایران 29

شرح قصاید مولانا شوکت، محمد مراد، استانبول، ۱۸۷۳. 30

ص ۲۳۸۵، فهرست نسخه های خطی فارسی 31

ص ۸۵۱، سال هفتم، شماره ۷، وحید 32

ادبیات دیوانی ترک و نالی، ص ۱۴ 33

همان، ص ۱۵ 34

Şeyh galib s, 5 35

Şeyh galib divan'ından seçmeler s, 111 36

مدّعا حاصل به هر جا گشت ما را منزل است تنگ شکر مصر باشد کاروان مور را
(شوکت)
این جواب آن غزل غالب که شوکت گفته است تنگ شکر مصر باشد کاروان مور را
(شیخ غالب)
طینت مشّت گلی داند سرشت شعله را خاک من چون آب خواند سرنوشت شعله را
فکرنت را سوخت غالب شوکت آتش زبان انتخاب آسان نباشد خوب و زشت شعله را
(شوکت)
خامشی آواز ما را آتش بی دود کرد شعله تقریر ما چون بی صدا شد صاف شد
(شیخ غالب)
غالب از اشراق دل دارد به شوکت گفتگو شعله تقریر ما چون بی صدا شد صاف شد
(شوکت)
نگه از دیدن آن چشم سیه مژگان است چون سیه گشت رگ تار نکه مژگان است
(شیخ غالب)
غالب این آن غزل شوکت نادیده ادا ست که ردیفش همه چون مد نکه مژگان است
(شوکت)

(شیخ غالب)
شیخ غالب در مثنوی تمثیلی خود که حسن و عشق نام دارد وقتی در قسمت " در صفت قلعه ذات
الصور" می رسد زیبایی های قلعه را تشبیه می کند به نازک خیالی شوکت:

Hep ândaki hurde kâr sûret

Bârik idi çün hayâl-i şevket

یعنی نقش و نگار که در آن قلعه وجود داشت مانند خیالات شوکت نازک بوده است^{۳۷}. در بیت
دیگری می گوید در روم شعر گفتن با طرز شوکتانه را من ایجاد کرده ام:

Muhal addeylemişlerken gazelde şâiran-ı rûm

Ben icâd eyledim ol şevketâne tarz-ı eşârı^{۳۸}

در این بیت نیز رنگین خیال شوکت را مورد نظر گرفته است:

Açılıp reng-i hayâl-i şevket

Nakş-ı bârikine vermiş sûret^{۳۹}

در بیت دیگری طرز شوکت را ادامه راه می شمارد و می گوید:

Tarz-ı şevket kepenek pûş-i reh-i monlânın

Görünen bahyesidir hırka-i peşmineden^{۴۰}

ویژگی های که شیخ غالب تحت تاثیر شوکت قرار گرفته بود بیشتر جنبه مضمون دارد.
مهمترین ویژگی های شوکت در نازک خیالی و معنا آفرینی است که در این مورد شیخ غالب کاملا

37 Hüsn ü aşk s.348

38 Şeyh galib, s14

39 Şeyh galip divanı, s 227

40 عناصر فرهنگ و ادب ایرانی در شعر فارسی، ص ۱۲۰

تحت تاثیر شوکت است ، حتی واژه ها و ترکیب های خاص که شوکت بکار می برد در شعر شیخ غالب عینا دیده می شود.

سرنوشت شعله، بهشت شعله ، کف افسوس ، سرشت شعله ، طوفان شراب ، معنی رنگین، مضمون رنگین ، آتش حسن ، شعله جواله^{۴۱} .

در دیوان شیخ غالب از این قبیل ترکیب ها و لغات فراوان دیده می شود.

یکی دیگر از شاعران عثمانی که از نظر مضمون آفرینی و خیال پردازی از شوکت تاثیر پذیرفته است آریا امینی زاده مصطفی "سامی" (م ۱۱۴۶ هـ) است. سامی نیز مانند شیخ غالب در خیال پردازی پیروی شوکت بوده است. نظیره برای این قصیده شوکت نوشته است:

بس که جو شد شعله حل کرده از مینای من شیشه را قواره آتش کند صهبای من
سامی در یک قصیده فارسی به شوکت چنین اشارتی دارد:

آن خسرو پر شوکت نظم که با قبال در ملک هنر خامه ام افراشت علم را

تنها نه کلام شرف ملکوت روم است صیت سخنم رفته بخارا و عجم را^{۴۲}

قوجا راغب پاشا (۱۱۷۶ هـ) یکی دیگر از شاعرانی که از شوکت تاثیر پذیرفته است. قوجا راغب پاشا صدراعظم دربار عثمانی بوده است. در شعر این شاعر نیز ردپای از شعرای سبک هندی بویژه شوکت دیده می شود. قوجا راغب پاشا اشعار فارسی نیز سروده است. وی از مضمون های شوکت بسیار استفاده کرده و دو غزل او را تخمیس کرده است. غزل شوکت که با این مطلع شروع می شود:^{۴۳}

صفای جوهر جان های آگاه از بدن باشد گل آینه را خاکستر گلخن چمن باشد

با این غزل تخمیس کرده است:

فروغ آتش صهبای جان از فیض تن باشد لطافت بخش آب زندگی خاک وطن باشد
مرا این نکته روشن از غبار طبع من باشد صفای جوهر جان های آگاه بدن باشد

گل آینه را خاکستر گلخن چمن باشد

غزل دیگری شوکت که با این مطلع آغاز می شود:

الهی رنگ تاثیر کرامت کن فغانم را ز موج اشک بلبل آب تیغ زبانم را

نخمیس کرده است:

نخواهم سوزشی بی ناله چون پروانه جانم را بفرما روشنی از شید شهرت دودمانم را
چو گل ظاهر شود برهان قطعی تا بیانم را الهی رنگ تاثیر کرامت کن فغانم را

ز موج اشک بلبل آب ده تیغ زبانم را

41 Şeyh galib divanı صفحات مختلف

42 Arpa emini zade mustafa sami divan s, 619

43 Soysal, Faysal; Koca Ragıp Paşa Divanındaki Farsca Manzumeler, Van Yüzüncü Yıl Üniversitesi yüksek lisans tezi, 2005.

شوکت همچنین در دوره‌ی معاصر نیز توجه شاعران ترکیه را به خود جلب کرده است، یکی از شاعرانی که آصف حالت چلبی (۱۹۵۸م) نام دارد ابیات از دو قصیده شوکت را به ترکی ترجمه و

در مجله‌ی ینی آدم (*yeni Adam*) منتشر کرده است. ۴۴

*در سومین کنگره بین الملل عرس بیدل ارایه شده است. (۱۵-۱۶ آبان ۱۳۷۹ تهران)

مآخذ و منابع

- ادبیات تطبیقی پژوهشی در باب نظریه ادبیات و شعر روایی: محمد عبد السلام کفافی، ترجمه سید حسین سیدی، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی به نشر، ۱۳۸۲.

- تذکرة المعاصرین: محمد علی بن ابی طالب حزین لاهیجی، به اهتمام معصومه سالک، تهران، نشر سایه، ۱۳۷۵.

- تذکره نصر آبادی: محمد طاهر نصر آبادی، به اهتمام محسن ناجی نصر آبادی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸.

- دنباله جستجو در تصوف ایران: عبد الحسین زرین کوب، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.

- دیوان شوکت بخاری: نسخه خطی، کتابخانه توپقاپی سرای، شماره ۹۶۲.

- دیوان شوکت بخاری: به اهتمام سیروس شمیسا، تهران، فردوس، ۱۳۸۲.

- ریاض الشعراء: والء داغستانی، به اهتمام محسن ناجی نصر آبادی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.

- ریاض العارفین: رضا قلی خان هدایت، به اهتمام مهر علی گرگانی، تهران،

- شفق، تورقایی، تصحیح انتقادی دیوان شوکت بخاری، پایان نامه دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

- صیادان معنی: محمد قهرمان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.

- طرز تازه: سبک شناسی غزل سبک هندی: حسین حسن پور آلاشتی، تهران، انتشارات

سخن، ۱۳۸۴.

- فهرست نسخه های خطی فارسی: احمد منزوی، تهران، موسسه فرهنگی منطقه ئی، ۱۹۵۰م.

- قاموس الاعلام: شمس الدین سامی، استانبول، ۱۸۹۴م.

قواید فارسیه بطرز نوین، محمد نعیم فراشری، استانبول، مهندسیان مطبعه سی، ۱۲۸۸

- گلزار ادبی ایران: ادوارد براون، اصفهان، مطبعه سعادت، ۱۳۱۰.

- نمونه های ادبیت تاجیک: صدرالدین عینی، مسکو، چاپخانه نشریات مرکزی خلق اتحاد جماهیر

شوروی سوسیالیستی، ۱۹۲۶.

- عناصر فرهنگ و ادب ایرانی در شعر عثمانی: شادی آیدین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۵.

- Alparslan, Ali, 1988: *Şeyh Galib*, Kültür ve Turizm Bakanlığı yayınları, Ankara.
- Akkuş, Metin, 'Nef'i', Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi, C.32, s.523-525, İstanbul.
- Ateş, Ahmet, 1968: *İstanbul kütüphanelerindeki Farsça manzum eserler kataloğu*, Milli Eğitim Bakanlığı, İstanbul.
- Aydın, Şadi, 2004: *Türk Edebiyatında Farsça Divan ve Divançeler*', (Nüsha, 15), s. 31-40, Ankara.
- Aytaç, Gürsel, 1997: *Karşılaştırmalı edebiyat*, Gündoğan Yayınları, Ankara.
- *Çelebi, Asaf Halet, 1941: 'Şevket Buhari'den Şiirler'*,(Yeni Adam Haftalık Fikir Gazetesi, Sebat Matbaası, c. X,) Say. 316, 340, İstanbul.
- Dilberipur, Asgar, 2002: 'Fuzuli'nin 'Sakiname'sinde Hafız'ın rolü', çev. Hasan Almaz (Nüsha Dergisi, 6), s.35- 44, Ankara, 2002.
- Gölpınarlı, Abdülbaki, 2001: *Şeyh Galib divanından seçmeler*, Milli Eğitim Bakanlığı yayınları, Ankara.
- Horata, Osman, 1987: *Nedim-i Kadim ve Divançesi*, Kültür ve Turizm Bakanlığı Yayınları, Ankara.
- İpekten, Haluk, 1986: *Na'ili*, Kültür ve Turizm Bakanlığı Yayınları, Ankara.
- İpekten, Haluk, 'İsmeti', C. 23, s.140, Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi, İstanbul.
- Kartal, Ahmet, 2002: *Anadolu'da Farsça şiir söyleyen Türk şairler*, (Turkler c.7), s. 682- 695.
- Karahan, Abdülkadir, 1972: *Nef'i Divanından Seçmeler*, M.E.B Devlet Kitapları, İstanbul.
- Kaya, Bayram Ali,1988: *Neşati*, Şule Yayınları, İstanbul.
- Kutlar, Fatma Sabiha, 2004: *Arpa emini zade Mustafa Sami divanı*, Ankara.
- Milani, Ali, 1961: *Şevket Buhari: hayatı ve divanından seçmeler*, Küçükaydın matbaası, İstanbul.
- Nefi, *Farsça Divan*, 2000: haz. Mehmet Atalay, Erzurum.
- Ocak, Tulga, 1985: *Ölümün 350. Yılında Nef'i*, (Hacettepe Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Dergisi, c.3, sayı 2) s.1-20, Ankara.
- Pekolcay, Necla, 1994: *İslami Türk Edebiyatı*, Kitabevi, İstanbul.
- Şeyh Galib, 2003: *Hüsn ü aşk*, haz. Muhammed Nur Doğan, Ötüken neşriyat, İstanbul.
- Şeyh Galib, 1994: *Şeyh Galip Divanı*, haz. Muhsin Kalkışım, Akçağ yayınları, Ankara.
- Üzgör, Tahir, 'Fehim-i Kadim', Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi, C.12, s.195-196, İstanbul.
- Yıldız, Alim, 2004: *Süleyman Nazif' göre İran Edebiyatınının Edebiyatımıza Tesiri*, (Cumhuriyet Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, c.8/1), s.159-201.